

ویژگی مهم یاران امام حسین(ع)

امام حسین(ع) یاران خود را آزمود و همه در وفا جام سرشار را نوشیدند. مگر ابوالفضل نبود ...



امام حسین(ع) یاران خود را آزمود و همه در وفا جام سرشار را نوشیدند. مگر ابوالفضل نبود که پناه شمر را با نفرین رد کرد و برای حسین تا رمق داشت، کوشید و هنگامی که دست ها و چشم ها و فرق سرش را گرفتند و دوختند و شکستند و با نیزه ای برتن نشست، او را به زمین انداختند.

ویژگی مهم یاران حسین(ع) به گزارش ایکنا؛ مطالعه آثار گوناگون درباره امام حسین(ع) ضرورتی انکارناپذیر است، چراکه بسیاری از مخاطبان، آن حضرت را فقط در چارچوب واقعه کربلا و قیام عاشورا می شناسند، در حالی که سیره و سخنان آن حضرت دریایی از معارف عمیق در حوزه های اخلاق فردی، اجتماعی، عرفان، مدیریت و سبک زندگی اسلامی را دربردارد. احادیث امام حسین(ع) نشان می دهد که ایشان نه تنها الگوی مبارزه، بلکه معلمی برای چگونه زیستن بودند، بنابراین محدود کردن شناخت امام حسین(ع) به عاشورا، باعث غفلت از دیگر ابعاد شخصیتی امام می شود، در حالی که با مطالعه آثار متنوع، می توان به الگویی کامل برای زندگی در دنیای امروز دست یافت.

یکی از این آثار که از چنین ویژگی هایی برخوردار است، کتاب «چهل حدیث از امام حسین(ع) در سبک زندگی و بندگی» اثر حجت الاسلام علی صفایی حائری است و همان طور که از نامش پیداست، مجموعه ای متشکل از چهل حدیث از امام حسین(ع) است که استاد علی صفایی پیشتر در آغاز سخنرانی هایش بیان کرده و توضیح داده بودند؛ سپس به خواست «دوستان» آنها را به صورت مستقل در این نوشته آورده و شرح داده اند.

این کتاب ابتدا با نام «از زلال ولایت» به وسیله انتشارات جمکران چاپ شد و پس از آن انتشارات لیلۃ القدر با نام «چهل حدیث از امام حسین(ع)» نشر داد. روایات مطرح شده در این کتاب را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ یک دسته، مربوط به ارتباط انسان با خدا و نحوه عبودیت حق و دسته دوم، درباره برخورد و تعامل انسان در جامعه است. این احادیث به ویژه با سبک تحلیل و توضیح نویسنده چراغ روشنی در مسیر سبک زندگی اسلامی خواهد بود.

علی صفایی حائری معروف به عین صاد در سال ۱۳۳۰ متولد شد. او مجتهد، فقیه، عارف و اندیشمند شیعه بود که بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه های متفاوتی مانند تربیتی، نقد و روش نقد، ادبیات هنر، روش تدریس و آموزش، قرآن کریم و روش برداشت از آن، تفسیر و دیدار های تازه با قرآن، دعا و حدیث، ولایت و امامت، معارف اسلامی و آموزه های اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی اسلام تألیف کرد و سرانجام در سال ۱۳۷۸ به علت تصادف رانندگی، چشم از جهان فروبست. روحش شاد و یادش گرامی باد.

خبرگزاری ایکنا به منظور بهره گیری مخاطبان از این اثر ارزشمند به ویژه در ایام ماه محرم و صفر بر آن شد تا گزیده هایی از این کتاب را در دسترس همراهان همیشگی این خبرگزاری قرار دهد. در ادامه بخش یازدهم از کتاب «چهل حدیث از امام حسین(ع) در سبک زندگی و بندگی» را با عنوان «ویژگی مهم یاران حسین» به اختصار می خوانید.

قَالَ الْحُسَيْنُ: وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَّوْهُمْ قَمًا وَجَدْتُ فِيهِمْ إِلَّا الْأَشْوَسَ الْأَفْعَسَ يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَمْنِيَّةِ دُونِي إِسْتَيْتَسَ الْوَلَدُ إِلَى مَخَالِبِ أُمَّهِ. امام حسین(ع) فرمود: به خدا سوگند به تحقیق آنها را آزمودم؛ پس ندیدم آنها را جز دلاور های استواری که پیشاپیش من، همچون انس کودک به پستان های مادر، به مرگ انس بسته اند و با آن راحت گرفته اند.

از بچه های کوچک تا پیرمرد های خسته، از سفید تا سیاه، همه در این آزمایش سرفراز آمدند.

حضرت به جون می فرماید: «بَا جَوْنِ أَنتَ فِي إِدْنِ مَيِّ قَائِمًا تَبْعَتْنَا طَلِبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَ لَطَرِيْقَتَنَا.» چون غلام ابوذر است که پس از ابوذر در خدمت امام حسن و امام حسین(ع) ماندگار شده است و در روز عاشورا که جنگ شدت گرفته، برای اجازه جنگیدن به حضور امام آمده است.

حضرت به او می فرماید: ای جون تو اجازه داری که بازگردی. من بر تو منعی نمی گذارم. تو برای عافیت به دنبال ما آمده ای، پس خودت را گرفتار و مبتلای روش ما نکن. تو بازگرد که ما رسم عافیت را برانداختیم.

می گویند: چون بر قدم های امام حسین افتاد و نالید و گفتم: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا فِي الرَّخَاءِ الْحَسُّ قِصَاعَكُمْ وَفِي الشَّدَّةِ أَخَذْلَكُمْ، إِنَّ رِيحِي لَمُنْتِنٌ وَإِنَّ حَسِّي لِلنِّيمِ وَأَنْ لُونِي لَأَسُوذُ فَتَنْقَسَ عَلَيَّ فِي الْجَنَّةِ فَتَطِيبَ رِيحِي وَيَشْرَفَ حَسِّي وَيَبْيُضَّ وَجْهِي. لَا وَاللَّهِ لَا أَقَارِفُكُمْ حَتَّى يَخْتَلِطَ هَذَا الدَّمُ الْأَسْوَدُ مَعَ دِمَائِكُمْ»؛ ای پسر رسول خدا، من در راحتی در کنار شما بودم و از خوراک شما سرشار می شدم؛ اکنون در گرفتاری شما را رها کنم. حسین جان بوی بدن من تند و گندیده است و ریشه و حسب من، پست است و رنگم سیاه است. تو بر من این راحتی را در بهشت ببخش تا بوی من خوش و جسمم شریف و رویم سفید گردد. نه به خدا قسم، از شما جدا نمی شوم تا خون این سیاه با خون های شما آمیخته شود.

با اصرار اجازه گرفت و رفت و مستانه رفت. هنگامی که از پای درآمد، امام خود را به بالین او رسانید و او را برداشت و برایش این چنین دعا کرد: اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَاحْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرَفُ بَيْتَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ خدایا، رویش را سفید و بویش را خوش بگردان. او را با خوبان و نیکوکاران جمع کن و میان او و محمد و آل محمد آشنایی برقرار کن.

امام حسین(ع) تمامی اصحاب را آزمود و تمامی بر مرگ مهاجم و در برابر نیزه ها جلودار بودند. هنگامی که در شب عاشورا از آنها ستایش کرد و تشکر نمود، از آنها خواست که سر خود گیرند و به راه خود بروند که نالیدند و گفتند؛ کجا برویم و چه برداریم؟! سر خویش را، در حالی که سر تو بر نیزه ها سوار است و تن تو میخکوب دشت تفتیده.

راستی به کجا برویم و برای چه چیزی از تو جدا بشویم و به خاطر چه جلوه ای چشم از تو ببوشیم؟! مگر آنها که از تو جدا شدند چه حاصلی جمع کردند؟! مگر آنها که ماندند و جدا از تو ماندند، چه غنیمتی از دنیا با خود بردند؟!

حسین یاران خود را آزمود و همه در وفا جام سرشار را نوشیدند. مگر ابوالفضل نبود که پناه شمر را با نفرین رد کرد و برای حسین تا رمق داشت، کوشید و هنگامی که دست ها و چشم ها و فرق سرش را گرفتند و دوختند و شکستند و با نیزه ای بر تن نشست، او را به زمین انداختند و با صورت به زمین انداختند و برادر همچون عقاب به سوی او پر کشید؟!

مگر ابوالفضل جز اینکه خون ها را از چشمانش کنار بزند، خواهشی دیگر داشت؟! مگر این چشم پاک را جز برای دیدار دوست می خواست؟! مگر از دوست جز دوست تمنایی داشت؟ بای اَنْتُمْ و اُمی طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفَرْتُمْ قَوْزًا عَظِيمًا.»